

اشاره

هر زمانی که جامعه مسلمانان به هر عللی مسیر انحطاط را پیموندند، مصلحانی که نوعاً هم در کسوت عالمان دین بودند، قیام کرده‌اند و صلاح و سداد و هویت اصلی مسلمانان را به جامعه اسلامی یادآور شده‌اند. در طول تاریخ مسلمانان، مصلحان بزرگی بودند که با رهبری و قیام و احیای فریضه امر به معروف، جامعه مسلمانان را از سقوط نجات داده‌اند یکی از این مصلحان شیخ عبدالله گولن ترک است. در برهه‌ای از زمان، جامعه مسلمانان ترکیه گرفتار حاکمی بی‌دین شده بودند که تا به امروز تبعات آن در این کشور باقی است. این نوشتار به بررسی مختصر قیام این مصلح بزرگ پرداخته است.

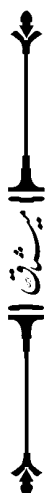
جنبش اسلامی - عرفانی فتح الله گولن در ترکیه

صالح نصیرات*

ترجمه مجید مرادی

در این گفتار به تحلیل و توصیف شخصیت و اندیشه یکی از شخصیت‌های اسلام‌گرای اثرگذار بر جامعه ترکیه - یعنی شیخ فتح‌الله گولن - پرداخته‌ام. این شخصیت که امتداد جنبش النور شیخ سعید نورسی است، مفاهیم جدیدی را در عرصه اندیشه و عمل اسلامی عرضه کرده است. گویا خصوصیت زمان و مکان، یعنی شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور ترکیه نقش برجسته‌ای در این دعوت و جنبش داشته است. شیخ فتح‌الله گولن، نه روحانی‌ای سنتی است و نه شیخی صوفی و نه سیاستمداری اسلام‌گرا، بلکه آمیزه‌ای از این هر سه است،

* دانشجوی دکتری، رشته حقوق دانشگاه اسلامی مالزی.



اگر چه در شخصیت او عنصر وعظ و تربیت اسلامی برجسته‌تر است. شیخ فتح‌الله گولن الگویی بی‌نظیر از فعالیت اسلامی در شرایطی بسیار دشوار عرضه کرده است. وی توانسته است به دور از محنتها و گرفتاریهایی که بسیاری از جنبشهای اسلامی با آن رویارو بوده‌اند، به کار و جنبش خود تداوم دهد و این به نظر نویسنده از آن رو بوده است که وی فهم دقیقی از ماهیت مکانی که در آن قرار دارد، داشته است؛ مکانی به نام کشور لائیک ترکیه که نظام سیاسی‌اش همواره با همه اشکال دین‌ورزی ستیز کرده است. همین درک دقیق و زیرکانه او را کمک کرد تا دعوت خود را از عرصه داخلی به عرصه جهانی منتقل کند. وی در این انتقال اندیشه مهمی داشت و آن این بود که دعوت به اسلام در هر شرایطی باید جریان داشته باشد و کار و فعالیت به امید مرتبط است.

فتح‌الله گولن در مسیر فعالیت خود بسیاری از مواضعی را که به لحاظ سطحی و رویی متناقض به نظر می‌رسند، ابزار کرده است. گاه از حکومت لائیک ترک حمایت کرده است، زیرا باور داشته که دولت و حکومت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای جامعه است و جایگزین نظام سیاسی، هرج و مرج است و خود او شاهد تزلزل ارکان موجودیت کشور در دهه هفتاد بوده است. گولن از هر فرصتی که برای کار فراهم آید بهره می‌گیرد. از فضای باز - در هر جا که باشد - بهره می‌گیرد و شاگردانش را به بهره‌گیری از این فضاها سفارش می‌کند. وی بانکهای اسلامی تأسیس کرده و ایستگاههایی رادیویی و تلویزیونی و مدارس و دانشگاهها و خوابگاههای متعددی به راه انداخته است. مهم‌ترین عنصر تمایزبخش جنبش گولن پرهیز از نزاعها و درگیریهای نظری است. وی به جای جدل به عمل روی آورده است و مهم‌ترین دل‌مشغولی‌اش این است که به کارش مشغول شود و از هیاهو و جنجال آن هم در محیطی که نظام سیاسی‌اش آن را برنمی‌تابد پرهیز کند و این نکته‌ای است که لازم است همه جنبشهای اسلامی آن را از نظر دور ندارند.

با برپایی جمهوری لائیک ترکیه به رهبری کمال آتاتورک در آغاز قرن بیستم، دولت و ملت ترکیه با تحولات و دگرگونیهای فراوانی رویارو شد که در همه حوزه‌های زندگی‌اش، از حوزه سیاسی و اقتصادی گرفته تا حوزه فکری و فرهنگی و زبانی رخ داد. این دگرگونیها از آن



رو ژرف و شگرف بود که از نمودهای بیرونی و رویی زندگی فراتر رفت و به درون و درون‌مایه‌ها نیز راه یافت و دگرگون کردن ریخت و ساخت روانی و عقلی را نیز در کنار دگرگونی شکل و شمایل انسان ترک در بر گرفت. در این روند گروه نخبه‌ای روی کار آمد که از جامعه بیگانه بود و با این حال کوشید بر مردم فرمان براند و سمت و سوییشان دهد.

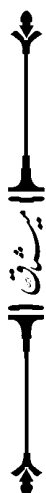
با همه تأثیری که این گروه بر جامعه تحمیل کرده، واکنشهایی هم که بدان شد، بسیار ژرف بوده است. در این گفتار می‌کوشیم گذاری به یکی از جنبشهای اسلامی داشته باشیم که در سایه جمهوری لائیک سر برآورد و بالید. این جنبش، بیش از آنکه با اندیشه و ایده پیوند داشته باشد، با شخص پیوند دارد و او شیخ فتح‌الله گولن است. هدف این گفتار، به دست دادن وصف و واکاوی این جنبش و زمینه و زمانه رویش آن و آموزه‌هایی است که می‌توان از آن برگرفت. از این رو، در این گفتار به رویش این جنبش و اصول بنیادین آن و تأثیر آن بر جامعه ترکیه و نگره این جنبش در چارچوب تحول تاریخی جنبشهای اسلامی در ترکیه از رهگذر بازخوانی پیوند میان این جنبش و جنبش شیخ سعید نوری (۱۹۶۰ - ۱۸۷۷) خواهیم پرداخت.

بازشناسی فتح‌الله گولن

شیخ فتح‌الله گولن در سال ۱۹۳۸ میلادی در یکی از روستاهای استان ارضروم در خانواده‌ای دین‌ورز دیده به جهان گشود. پدرش شیخ رامز افندی از نخستین کسانی بود که پس از برداشته شدن موانعی که آتاتورک بر سر راه حج گزاردن مردم ترکیه گذاشته بود، به حج رفت. شیخ شهر، شیخ محمد لطفی افندی، تأثیری ژرف بر زندگی او گذارد، چندان که وی می‌گوید: «می‌توانم بگویم که بخش بزرگی از احساسات و ادراکات و بینایی‌ام را در اثر آنچه از شیخ لطفی دیده و شنیده‌ام، وامدار او هستم.»^۱ مادر او نیز در پرورش او کم نگذاشت و به او قرآن آموخت و او در کودکی قرآن را از بر کرد. وجود شیوخ صوفیه و دل نهادن خانواده بر سر پرورش او، گرایشهای دینی را در نهاد او بیدار کرد و سبب شد تا وی به فراگیری علوم اسلامی و زبانهای این علوم مانند عربی و فارسی روی آورد.

آشنایی زود هنگام گولن با نامه‌های شیخ بدیع الزمان نوری در گشودن دریچه‌های عقل

۱. خلیل محمود، مقابله مع فتح‌الله غولان، پایگاه اینترنتی اسلام آن لاین، تاریخ ۲۰۰۲/۳۰/۲۴.



وی به اهمیت عمل به اسلام با روحی پویا تأثیر نهاد. افزون بر این، دعوت نورسی به اهتمام به علوم طبیعی و بهره‌گیری از آن در تقویت ایمان، اثری روشن در خط «آمیزش دادن علوم شرعی و علوم دنیوی و در رأس آن علوم طبیعی» که فتح‌الله گولن در پیش گرفت داشته است. فتح‌الله گولن در آغاز دهه پنجاه سده گذشته، کار اداری را در وزارت امور دینی ترکیه آغاز کرد و در سال ۱۹۵۸ امام مسجد روستای ادرنه شد. در سال ۱۹۶۶ به شهر ساحلی از میر که به آزادی پرآوازه است، منتقل شد. گویا فعالیتهای تبلیغی و توان تأثیرگذاری او بر دیگران، حکومت ترکیه را واداشت تا در سال ۱۹۷۱ به اتهام بنیادگذاری سازمانی دینی و ضد نظام لائیک - که عقیده رسمی دولت ترکیه بود - او را بازداشت کند. در سال ۱۹۸۰ و پس از کودتای سوم، با آنکه گولن و پیروانش با سخت‌گیریهایی رویارو شدند، اما کار به دستگیری وی نکشید. در سایه حکومت تورگوت اوزال دوران آسودگی شیخ فتح‌الله آغاز شد و گستره تبلیغ و دعوت پیشاروی وی فزونی گرفت و او به ویژه در سایه گشایش اقتصادی‌ای که حکومت اوزال فراهم آورده بود، دعوت خود را به مرحله تازه‌ای کشاند.

کاربست ما از واژه «جنبش» در این گفتار، مفهوم سنتی آن، یعنی وجود تشکیلاتی با ساختاری مشخص - همانند دیگر جنبشهای اسلامی و توده‌ای دیگر - نیست. غرض ما اشاره به رویکردهای عمومی و گردهماییهای توده‌ای این جنبش است، هر چند از پیچیدگی تشکیلاتی و ساختاری بالایی برخوردار نباشد. شاید از همین روست که پاره‌ای پژوهشگران از پیروان گولن با نام جامعه یا گروه و یا تجمع یاد می‌کنند. همه این واژگان، اشاره به نبود ساختاری تشکیلاتی در پیرامون فتح‌الله گولن دارد. چنین حال و وضعی، جریان گولن را به صیغه صوفیانه نزدیک‌تر می‌کند و نام جنبش صوفیانه را بر آن پذیرفتنی‌تر می‌سازد که در آن، جنبش در شخص رهبر (شیخ) تمرکز می‌یابد و فاقد نهادهایی است بر آن حاکم شوند. از این رو، در جنبش گولن چیزی به نام دفتر اجرایی یا شورای عالی و مرکزی و دیگر نهادهایی که دارای دلالت‌های حزبی هستند، وجود ندارد.

جنبش فتح‌الله گولن در دهه شصت سده گذشته، به گونه‌ای ساده در شهر زیبا و رهای از میر ترکیه به دست یک معلم قرآن، سر برآورد و در گذر سه دهه، چندان بالید که به یکی از برجسته‌ترین جنبشهای اسلامی تبدیل شد که به لحاظ روش و شیوه‌های فعالیت و حتی فلسفه‌ای که بنیاد نظری آن را تشکیل می‌دهد، متمایز است. تمایز جنبش گولن از سه نگره



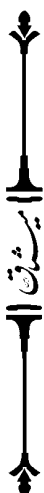
نظریه‌پرداز، مکان و زمان قابل توجه است. نظریه‌پرداز و بنیادگذار این جنبش، معلمی است که قرآن می‌آموزد و ابعاد فراوانی را در شخصیت خود باور کرده که از او شیخ و متفکر و مربی ساخته است، اگر چه صفت اخیر که در پیوند با تحول رفتاری فرد و جماعت است، ویژگی تمایزبخش گولن است.

گولن که در سایه لائیسزم ترکی پرورش یافته بود، یک شهروند عادی ترکیه بود که آرزویش عمل به شعائر دینی در فضایی صلح‌آمیز بود، اما پس از آگاهی یافتن به علوم گوناگون دینی دریافت که دینش از او نمی‌پذیرد که به کمترین حد - همانند بسیاری از مسلمانان دیگر - بسنده کند. از این رو، به حداقل بسنده نکرد و بلکه فرصت را برای پیشبرد برنامه‌ای تربیتی که می‌توانست اثری بسیار ژرف بر زندگی جامعه ترکیه و حتی تمام بشریت بر جای بگذارد، مناسب دید و همین نیز اتفاق افتاد. گولن از رهگذر فهم واقعیت موجود در ترکیه، پروژه‌اش را به پیش برد و گام‌های بسیار بزرگی برداشت و نشان داد که چگونه با عشق به اسلام و انسانیت و امید به آینده حتی در سخت‌ترین فضاها - که به مطالعه آن خواهیم پرداخت - می‌توان کار کرد و اوضاع را دگرگون ساخت. زیرا جنبش گولن در کشوری به راه افتاد که بیش از هر جای دیگر، دین به نقد کشیده و حرکت دینی با سخت‌گیری رویارو می‌شده است. نظام لائیک آتاتورکی ترکیه به لحاظ یورش کوبنده‌اش به دین‌ورزی و تلاش برای دین‌زدایی شکلی و واقعی، نظامی متمایز است. جنبش گولن در کشوری سر برآورد که لائیسزم در اوج قدرتش قرار داشت و دین‌ورزی و دین‌ورزان تنها با موانع و خشونت و جنگ کور نظام رویارو بودند.

از بعد زمانی هم آغاز جنبش گولن، همزمان با کودتای دوم ارتش علیه دولتی بود که می‌کوشید تا پس از شکست در تلاش پیگیر و جدی خود برای دین‌زدایی، فرصتهایی اندک برای دین‌ورزی فراهم سازد. تحول شکلی آغازین برای دولت و ملت قابل تصور و آسان نبود. زیرا پس از آنکه برای نخستین بار صدای مؤذن که اذان را به عربی سر می‌داد در استانبول شنیده شد، مردم با نماز خواندن در خیابانها و سجده کردن بر سنگفرش خیابانهای استانبول از آن استقبال کردند. تا پیش از آن بنابه دستور آتاتورک اذان هم به ترکی گفته می‌شد.

محیط رویش جنبش گولن

روشن است که دشواریها و چالشهای اساسی ترکیه، تنها در ابعاد سیاسی و اقتصادی و



نظامی نبود و چالش بزرگ‌تر، حالت دودلی و دوگانگی‌ای است که این کشور در مسیر تلاش دنباله‌دارش برای جست‌وجوی خویش و پیدا کردن جایگاهی در جهان امروز در آن به سر می‌برد. از این رو، چالش هویت، بزرگ‌ترین چالش ترکیه جدید است.

لائسیسم ترکیه که در فلسفه کمالیسم ترکیه پس از خلافت تجسم یافته است، معتقد است که ریشه‌کنی اسلام و روی کردن به سمت اروپا و غربی‌سازی ملت ترکیه، بهترین راه پیشرفت و عصری شدن است. اما اسلام و سنت‌های اسلامی که در ضمیر و وجدان ملت ترک جای دارد، گردنه‌ای سخت در مسیر حرکت به سوی مدنیت و ترقی است و از آن رو که نمی‌توان اسلام را لائیک یا خصوصی ساخت، راه‌حل بهتر، دخالت در آن و تبدیل آن به امری شخصی است که از دایره درون فرد خارج نمی‌شود.

برای همین است که لائسیسم ترکیه خطی به موازات لائسیسم فرانسوی را پیمود که معتقد است دین باید تحت سیطره باشد و در عرصه زندگی عمومی نقشی نداشته باشد. لائیک‌های ترکیه بهترین روش غلبه بر واپس ماندگی! را کنار زدن و به حاشیه بردن و بلکه سرکوب سازمان یافته دین می‌دانستند. واکنش اسلامی به این روش، کناره‌گیری و عقب‌نشینی موقت از حوزه زندگی عمومی بود. اما رفته رفته، ایستار اسلام‌گرایان عوض شد و آنان به همزیستی و سازش و مذاکره روی آوردند. تاریخ جنبش‌های اسلامی به روشنی، توان همسازی اسلام‌گرایان و روی نیاوردن آنان به روش‌های منفی را نشان می‌دهد. اسلام‌گرایان ترک در بهره‌گیری از روح جهنده اسلام که تغذیه‌کننده روحیه مقاومت در میان مسلمانان است تلاش جدی کردند و از سوی دیگر از راه پروژه همزیستی میان اسلام و مدرنیته برای دگرگون ساختن اوضاع کوشیدند.

برای درک بستر سکولار ترکیه جدید باید چارچوب و بستر زمانی طرح این ایده را درک کرد، زیرا پیگیری این تحول، پژوهشگر را در فهم رابطه دیالتیک دین و سکولاریسم یاری می‌رساند. اما تاریخ حقیقی پیدایی سکولاریسم، اساساً با رابطه خشونت‌بار میان دین و زندگی عمومی در اروپای سده‌های میانه پیوند دارد. در نتیجه این رابطه خشونت‌بار، سکولاریسم در پاسخ نیازی محلی به حل مشکلات موجود میان روحانیان مسیحی و دولت و تلاش متفکران و دانشمندان در جست‌وجوی جایگزینی برای سلطه دین بر زندگی در محیط اروپا سر برآورد.

اما الگوی سکولار (لائیک) ترکیه به جای آنکه به آرامش و آشتی بینجامد، درهای نزاع و ستیز را گشود. این الگو پرسش‌های فراوانی را در ذهن ترک‌ها پدید آورد، مانند اینکه: ما کیستیم؟



چگونه می‌توانیم در صلح به سر بریم؟ مرزهای اخلاقی جامعه کجاست؟ و... سکولاریسم ترک در حل مشکلات دولت عثمانی یا خاورمیانه یا بالکان و قفقاز ناکام مانده، اما به جای آن بر جامعه سیطره یافته بود. لائیسزم نژادپرست کمال آتاتورک با حذف عنوان اقلیت‌های یونانی و مسیحی و نادیده گرفتن حقوق فرهنگی کردها، صفت تکثر و تنوع جامعه ترکیه را بر هم زد. سکولاریسم ویژه ترکیه مبتنی بر مبانی فلسفه اثبات‌گرایی بود، زیرا پیشرفت را بر پایه‌های ایمان مطلق به اثبات‌گرایی در رهبری جامعه و مدیریت سیاست و ساختن جامعه‌ای جدید برای تقویت دولت و حکومت نخبگان بنیاد نهاده بود. ترکان جوان که کمال آتاتورک رهبری جنبش آنان را بر عهده داشت، پرورش دموکراتیک و لیبرال نیافته بودند و چنان که از رفتارهای روزانه آنان برمی‌آمد، دموکرات و لیبرال نبودند. لائیسزم مصطفی کمال آتاتورک بر شش پایه قرار داشت: ناسیونالیسم، سکولاریسم، جمهوری، دولت، اصلاح، توده‌گرایی. این اصول و روشها نه تنها مشکلات ترکیه را حل نکرد، که بر ژرفا و گستره آن افزود. لائیسزم در نگاه مردم ترکیه، منشأ و منبع تباهی و فساد جلوه کرد، در حالی که اسلام، منشأ و سرچشمه همبستگی اجتماعی و سبب استواری خانواده و جامعه بود. از این رو، جدایی میان سیاست و اخلاق اجتماعی، سبب مشکلات فراوانی برای جامعه ترکیه شد. لائیسزم نیز محدود به چارچوب نخبگان حاکم بود و ملت مسلمان ترک روز به روز از این نخبگان دورتر می‌شد، زیرا ایدئولوژی آنان از درون جامعه ترکیه نجوشیده و بلکه به زور بر آنان تحمیل شده بود و شکست چنین تلاشهایی نیز امری طبیعی است.

نتیجه این وضع نیز برآمدن جنبشهای اسلامی است که در تضاد مستقیم با لائیسزم و مدرنیته وارداتی قرار داشتند و دارند. عواملی را برای برآمدن جنبشهای اسلامی در ترکیه می‌توان برشمرد. گسترش آموزش و مهاجرت به شهرها و مشارکت سیاسی که شبکه روابط دینی را به استخدام سیاست درآورد، همچنین جست‌وجوی مداوم ارزشهایی برای همزیستی با چالشهای جدید هویت و نیز رویکرد و انگیزه‌های اخلاقی، از عوامل مؤثر در پیدایی این جنبشها هستند.

اسلام‌گرایان ترک مقوله همزیستی با واقعیت و بهره‌گیری از فرصتها را به بهترین شکل اجرا کردند. شاید همین ایستار پرسشهایی را پیرامون انعطاف اسلام چونان نظام زندگی و میزان تعامل آن با واقعیت جدیدی که تحولات شگرف در زندگی جدید پدید آورده بود، مطرح کرد.



تحولات تاریخی جنبشهای اسلامی ترک و ایستار گولن

نمی‌توان جنبش فتح‌الله گولن را از تلاشهای بزرگی گسست که در زمانی بیش از نیم قرن از سوی عالمان و متفکران ترک برای رویارویی با سرکشی نظام کمالیستی در زندگی اسلامی انجام شده بود. شاید برجسته‌ترین تمایز جنبش گولن این است که امتداد و بازسازی جنبش اسلامی نور است که رهبر آن بدیع‌الزمان سعید نوری سهم ویژه‌ای در بیدارسازی احساسات دینی و خیزش اسلامی در عرصه حیات اجتماعی در ترکیه دارد. از این رو، می‌توان جنبش گولن را چونان مرحله‌ای از مراحل تحول تاریخی جنبش اسلام‌گرا در ترکیه دانست. شیخ بدیع‌الزمان نوری از نخستین کسانی است که با اوضاع مدرن ترکیه تعامل برقرار کرد و کوشید از نیروهای نهفته در اسلام‌آگاهی ملت ترکیه بهره‌گیرد. اسلام در نگاه او نظامی هنجاری و اخلاقی است که معیارهای درست و نادرست را در زندگی فرد و جامعه مشخص نموده و همچنین نیرویی درونی برای اصلاح نفس و تقویت خویشتن در برابر بیماریهای اجتماعی عصر و زمانه است. سعید نوری سه مرحله را در تحولات فکری‌اش پیمود. خود او از سه مرحله‌اش چنین یاد کرده است: سعید قدیم، سعید جدید و سعید سوم. این سه مرحله حاکی از سیر تحول اندیشه این متفکر بلندپایه است. وی در آغاز کودتای آتاتورک بر آن بود که جنبش ترکان جوان به سبب سیاستهای اصلاح‌گرایانه‌ای که اعلام کرده است می‌تواند عامل نواندیشی دینی شود. اما ستیز و یورش سازمان‌یافته آنان به دین و دین‌ورزی، سبب شد تا نوری از پشتیبانی ترکان جوان دست بکشد و به فعالیتهای تربیتی و تبلیغی روی آورد. وی در این مرحله، وظیفه خود را پاسداری از اندیشه دینی از غلتیدن به دام تعصب و بازداشتن مردم از افتادن در چاه الحاد می‌دانست. از این رو، نوشته‌های فراوانی از نوری در این مرحله منتشر شد که وی در آنها کوشیده است تا از راه بازگرداندن دین به جامعه‌ای که از ژرفای جان دین‌مدار بود، حافظه جمعی ملت ترک را احیا و آگاهی دینی آنان را افزایش و ارتقا دهد.

نوری در ادامه هدف خود را ساختن جامعه‌ای تثبیت شده قرار داد و به این باور رسید که تحول و دگرگونی، نخست از فرد آغاز می‌شود و سپس بالا می‌گیرد و به جامعه بزرگ‌تر می‌رسد و مشارکت سیاسی هم سبب دگرگونی اجتماعی است. با این حال، ویژگی نوری در مرحله دوم تحولات فکری‌اش، کناره‌گیری از سیاست و روی آوردن محض به نگارش است. وی بسیاری از جزوه‌های رسائل النور را تألیف کرد که به دست مریدانش تکثیر و در سطح



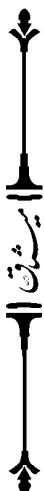
گسترده‌ای در آناتولی منتشر شد. نوری در مرحله سوم از حیاتش به پشتیبانی از حزب دموکرات تمایل یافت.

اصول اندیشه نوری از فهم درست قرآن کریم آغاز می‌شود. وی بر آن است که ایمان، مقتضای فطرت است، چنان که در آیه ۳۰ سوره روم آمده است: «فطرت الله التي فطر الناس عليها؛ فطرت خدایی که مردم را بر آن سرشته است.» رابطه میان هواهای نفسانی و عقل سبب تیرگی روان آدمی می‌شود و راه حل آن هم ایمان به خدای سبحان است و نبود ایمان، سبب جنگها و اختلافات در سطح جوامع و کشورهاست.

بنابراین، آنچه نوری عرضه می‌کند، نقشه‌ای از اهداف یا راهنمای عمل انسان مسلمان در زندگی عمومی است که به شکلی انتقادی و هوشمندانه تنظیم شده است. وی این باور شگفتی‌آفرین را مطرح کرد که در حالی که دنیا رو به پیر شدن می‌نهد، قرآن شادابی و پویایی و جوانی فزون‌تری می‌یابد. با این حال، اهتمام نوری به علوم سبب نشد که وی به قرآن به چشم کتابی سرشار از اکتشافات علمی بنگرد، بلکه قرآن و آیات الهی را در پهنه هستی، موجب دعوت به اهتمام فزون‌تر به علم طبیعی و تسخیر علم طبیعی برای فهم قرآن می‌داند. مهم این است که نوشته‌های نوری محدود به گروه و طبقه ویژه‌ای نمی‌شد و تمام جامعه را مخاطب خود قرار می‌داد و در این کار از پیشرفت صنعت چاپ که ابزار نشر اندیشه‌هایش را در میان مردم فراهم می‌ساخت به خوبی بهره گرفت.

نظریه نوری برای حل مشکلات ترکیه، تغییرات گام به گام را تجویز می‌کرد که از ارتقای آگاهی انسان مسلمان و پیاده کردن دین در عرصه زندگی و حاکمیت شریعت آغاز می‌شد. نگاه وی به دولت از فهم وی از اسلام ریشه می‌گرفت که دولت باید خدمتگزار ملت باشد و پایه‌های دولت باید بر آزادی و عدالت و احترام به کرامت انسانی و اراده ملت استوار باشد. از این رو، وی آزادی را بر نان مقدم می‌دانست. این سخن پرآوازه او در این زمینه به حد کافی گویاست: «می‌توانم بدون نان زندگی کنم، ولی نمی‌توانم بدون آزادی به سر برم.» زیرا با آزادی، انسان همان گونه که خدا اراده کرده است، مسئول و مختار خواهد بود، ولی بدون آزادی برده دیگران خواهد شد. این ایده نوری تداوم ایده دفاع از آزادی در اندیشه اسلامی است که از زمان برآمدن اسلام تاکنون جریان داشته است.

به نظر می‌رسد که گولن نیز همان اندیشه نوری را در باب دولت دنبال می‌کند، اما هیچ



گاه چنین نمی‌پندارد که جنبش او در آینده به تأسیس دولت اسلامی در ترکیه خواهد انجامید. از این رو، گاه در نوشته‌های گولن می‌بینیم که وی از دموکراسی و سکولاریسم به عنوان پایه‌های دولت مدرن سخن می‌گوید و اینکه ترکیه بر این دو پایه استوار است. اما مقصود وی از سکولاریسم، شکل دین‌ستیزانه آن نیست که در ترکیه پیاده شده است. نقد‌گزنده او به سکولاریسم و گزافگی پروژه سکولاریسم در ترکیه و اتهام وی به سکولاریسم که انسانی نامتعادل را تولید کرده و سبب مشکلات فراوانی برای ترکیه شده است، نشان می‌دهد که وی به سکولاریسمی که تبدیل به ایدئولوژی‌ای در برابر دین شود اعتقادی ندارد.

او هم با استادش نرسی در راهبرد تغییر گام به گام سرنوشت ملت ترکیه تا رسیدن به مرحله انتخاب، همداستان است. چنان که نرسی هم می‌گفت: پس از احیای آگاهی ملت ترکیه به اسلام، این ملت باید بتواند قوانینی را که متناسب اوست انتخاب کند. به نظر می‌رسد که این سخن نرسی، سخن گزافی نبود و ملت ترکیه در یک دهه گذشته دو بار به اسلام‌گرایان اعتماد کردند و آنان را برگزیدند: یک بار در سال ۱۹۹۷ که حزب فضیلت به رهبری نجم‌الدین اربکان در انتخابات پارلمانی پیروز شد و او به نخست‌وزیری رسید؛ و یک بار دیگر در سال ۲۰۰۳ که رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه پیروز شدند. این انتخاب گذشته از پاره‌ای عوامل دیگر، نتیجه آگاهی به اسلام بود.

اما اینکه فتح‌الله گولن خواهان بی‌طرفی دولت در برابر دین شده است، به نظر نگارنده از آن روست که وی می‌داند ارتش ترکیه با سلطه کنونی‌اش، نخواهد پذیرفت که اسلام و احکام اسلامی بر زندگی مردم حاکم شود. از این رو، بی‌طرفی‌ای که گولن خواهان آن می‌شود، نقش مهمی در ارائه برنامه‌های همه‌گروهها به ملت ترکیه خواهد داشت و در این میان اسلام‌گرایان هم از این فرصت بهره خواهند برد و طبیعی است که ملت ترکیه در چنین فضایی اسلام را بر خواهد گزید.

زمانی هم که گولن از پایه‌های دولت سخن می‌گوید، بر آن است که این اندیشه با اسلام همخوانی دارد. زیرا وی پایه‌های دولت را عبارت از عدالت و آزادی و احترام به کرامت انسانی و احترام به اراده ملت می‌داند. این اصول نیز همان اصولی است که دیگر جنبشهای اسلامی معتدل در جهان اسلام منادی آن هستند. پژوهشگری درباره هدف اصلی گولن گفته است که «هدف اصلی او ایجاد جامعه‌ای است که اساس آن، شریعت است» و این نیز جز در سایه آزادی

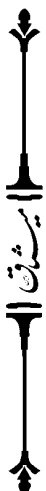


و حکومت قانون میسر نیست.

پاره‌ای از پژوهشگران برآن‌اند که رویارو نشدن گولن با دولت ترکیه و چشم‌پوشی از انحلال احزاب اسلامی مانند رفاه و کنار زدن اربکان از نخست‌وزیری در سال ۱۹۹۷، به معنای ناهمداستانی او با ایده حکومت اسلامی یا تلاش‌های احزاب اسلامی برای ارائه الگویی از حکومت اسلامی، نشانه چالش و نزاع میان او و دیگر اسلام‌گرایان است. آنچه در پاسخ این ادعا می‌توان گفت این است که اختلاف‌نظر میان اسلام‌گرایان در همه جهان اسلام امری طبیعی است، اما بیم گولن از آن است که پروژه سیاسی و تربیتی اسلامی‌اش به دست ارتش نابود شود و این فرصت تاریخی برای تبلیغ دعوت به اسلام تباه شود و هرج و مرج سیاسی‌ای همانند آنچه در دهه هفتاد سده بیستم رخ داد، بار دیگر اتفاق افتد و از این روست که وی حساسیت سیاسی آشکاری از خود نشان نمی‌دهد. در دهه هفتاد هم ارتش به او اجازه ادامه فعالیت نداد و او را به خارج تبعید کرد. بنابراین، گولن با همین موجودیت فعلی دولت و حاکمیت در ترکیه موافق است، زیرا نبود آن را موجب ناآرامی و هرج و مرج می‌داند و معتقد است اگر دولت و حاکمیت نباشد، در نتیجه نزاع میان احزاب، رودهای خون در ترکیه روان خواهد شد. پژوهشگری ترک معتقد است، گولن با ترجیح آرامش و امنیت بر پاره‌ای از آزادیها، با فقه اهل سنت که سده‌های طولانی این سیاست را پیشه کرده است، هماهنگ است.

اصول اساسی جنبش گولن

روشن است که جنبش گولن در سایه شرایط خاص ترکیه شکل گرفته است، ولی برای گستراندن و امتداد بخشیدن مناسب است، به ویژه از آن رو که روش گولن مبتنی بر رویارویی نکردن با نظام موجود لائیک و عدم چالش سیاسی با آن و حتی در پاره‌ای موارد پشتیبانی از نظام است، چنان که در کودتای ۱۹۸۰ و کودتای دوم علیه دولت اربکان در ۱۹۹۷ روی داد. زیرا فتح‌الله گولن با جنبش خود در پی احیای ایده دولت عثمانی یا تشکیل دولت اسلامی نیست، بلکه آمده است تا نظامی آموزشی پی‌ریزی کند که مبنای آن اخلاق فاضله ریشه‌دار در اسلام و ارزشهای انسانی است. از این رو، وی سوئیة اهتمام خود را در تلاش برای ساختن جامعه‌ای دین‌ورز و میانه‌رو معطوف به جوانان می‌کند و به تأسیس مدارس و دانشگاهها روی می‌آورد. در مدارس که گولن تأسیس کرده، خوابگاههایی نیز به نام بیت النور برای دانشجویان



ساخته شده تا در فضایی سالم فعالیت‌های دینی و علمی خود را همزمان به پیش ببرند. هدف گولن از این کار، حفظ جوانان از فریب‌های نظام سکولار و جامعه شهوت‌زده است. از این رو، گولن معتقد است که کاستن تخم اخلاق رواداری و عشق به خدا و مسئولیت و احترام به ذات انسانی و فداکاری در راه مردم، مقتضای اخلاق اسلامی و انسانی است. برای همین است که مهم‌ترین عناصر برنامه‌کاری گولن، تعمیق عشق به خدا در دل جوانان و اطاعت مطلق از او و ایجاد امید به آینده‌ای شکوفا برای ملت مسلمان ترکیه است.

در مرحله دوم، هدف گولن ایجاد چیزی است که وی از آن به عنوان «نسل طلایی» یاد می‌کند. در این کار، وی از فرصت‌های جامعه جدید که گشودگی و ظرفیت‌های جهانی شدن است بهره گرفت و شبکه تبلیغاتی وسیعی به راه انداخت و نهادهای مالی و اقتصادی‌ای برای حمایت از رویکردهای تربیتی و آموزشی‌اش تأسیس کرد. خصوصی‌سازی آموزش در سال ۱۹۸۳ فرصتی برای ساختن جامعه‌ای هماهنگ و سامان یافته براساس اخلاق اسلامی فراهم آورد. وی درباره روش آموزشی در مدارس خود می‌گوید: دینی که فاقد آموزش علمی باشد به تدریج می‌انجامد و آموزش گسسته از دین به الحاد.

اما روش وعظ و خطابه گولن، پرده از قدرت شگرف او در جلب توجه شنوندگان و بینندگان برمی‌دارد. وی از روش داستان‌گویی بهره می‌گیرد و در خطابه‌هایش بر این نکته متمرکز می‌شود که پیامبر بزرگوار محمد(ص)، کامل‌ترین الگوی انسان کامل است. از این رو، به شاگردان و شنوندگانش تأکید می‌کند که از اخلاق نبوی الگو برداری کنند. این خطاب عاطفی آمیخته با داستان‌های نبوی و قرآن که روحی اعتدالی دارد، پای بسیاری را به مجالس او کشانده است و این خود، آن هم در سایه نظامی لائیک که در زیر و بم امور مردم سرک می‌کشد و هر سخن و موضعی را زیر نظر می‌گیرد، پیروزی بزرگی است.

به نظر می‌رسد که فتح‌الله گولن به شیوه‌ای روشمند می‌اندیشد و رفتار می‌کند، زیرا از مرحله‌ای به مرحله دیگر گذار می‌کند، بی‌آنکه گذار او مشهود باشد. وی در مرحله‌ای عالمی ترک بود که دایره اندیشه و رفتارش به ترکیه محدود می‌شد، ولی از این دایره به دایره‌های جهانی منتقل شد و در این مرحله تازه با اقلیت‌های ترک اروپا و امریکا و ملت‌های ترک در آسیای میانه پیوند برقرار کرد و مدارسی در آن مناطق بنیاد نهاد و به ترویج اخلاق فاضله پرداخت.

از این رو، راهبرد گام به گام وی در دعوت و تبلیغ و شکیبایی وی در این مسیر قابل درک



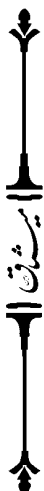
است. بدیهی است که نمی‌توان تصور کرد در جامعه‌ای که از دو سده پیش در معرض کودتا علیه ارزشها بوده است، یک‌شبهه و به مدد کشف و کرامات همه چیز دگرگون شود. به قول وی: اینکه ایمان در جای الحاد و انضباط به جای افسارگسیختگی و نظم به جای هرج و مرج و اخلاق به جای نااخلاق بنشیند، کار آسانی نیست. جنبش گولن از رصد رسانه‌های تبلیغاتی لائیک در امان نبوده است. آنها همواره بر این جنبش می‌تازند و گولن را به واپس‌گرایی و تلاش برای نابودی نظام لائیک متهم می‌کنند.

جرم فتح‌الله گولن این است که می‌گوید دولت باید خادم ملت باشد و نه مراقب و سانسورچی. وی معتقد است: «برای دولت سزاوار نیست که لائیک یا دینی باشد، یا یک فلسفه را تشویق و فلسفه دیگر را منع کند. دولت باید بی‌طرف باشد و به مردم آزادی بدهد و هیچ‌کس را از مشارکت سیاسی منع نکند.»

بنابراین، می‌توان چکیده مبانی و اصول جنبش گولن را چنین بیان کرد:

اسلام نظامی اخلاقی است که برانگیزاندن آن و دست‌آویختن به آن واجب است. اسلام می‌تواند جایگزین‌هایی برای بسیاری از گزینه‌هایی ارائه کند که در پهنه اقتصاد و سیاست و تبلیغات به مردم عرضه می‌شود. دین بهترین ابزار کاشتن تخم اخلاق رواداری و مهرورزی است. امید مفهومی اسلامی است و انسان مسلمان نباید هیچ‌گاه نومید شود. فعالیت اسلامی باید واقع‌نگر باشد و نقطه جهش آن فهم درست واقعیت باشد.

ابزارهایی که گولن برای فعالیت اسلامی در پیش گرفته است عبارت‌اند از: ابزار آموزش و پرورش در مدارس اسلامی که در بسیاری از کشورها به هدف حفظ مسلمانان از تباهیهای نظامهای ضددینی تأسیس کرده است؛ خوابگاههای دانشجویی یا بیوت‌النور که در آن دانشجویان مسلمان در فضایی اسلامی و به دور از انحرافات اخلاقی موجود در جامعه گردهم می‌آیند؛ اردوگاههای پرورشی که در آنها دانشجویان به مدت چند هفته اقامت می‌کنند و آزادانه به عبادت می‌پردازند؛ بهره‌گیری از هر گونه ابزار تبلیغاتی از روزنامه گرفته تا مجله و تلویزیون و اینترنت؛ تأسیس نهادهای اقتصادی که پشتیبان مالی تبلیغ و دعوت هستند؛ تأسیس سازمانهای ارتباطات و اتحادیه‌های صنفی مانند اتحادیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران مسلمان و مانند آن. این ابزارها از سوی دیگر جماعت‌های اسلامی در مشرق عربی و شبه‌قاره هند هم به کار گرفته می‌شوند.



تصوف در جنبش گولن

این پرسش به ذهن خطور می‌کند که اگر شیخ بدیع الزمان نورسی، اهل تصوف و عرفان بود و جنبش او بعدی صوفیانه و عرفانی داشت، اگر چه به معنای سنتی طریقتی صوفیانه نبود، آیا گولن در این زمینه هم از نورسی تأثیر پذیرفته است. اگر چنین است، تا چه اندازه می‌توان جنبش جدید النور را جنبش صوفیانه - به معنای سنتی اش - دانست؟

پژوهشگر ترک، زکی سری توبرک، معتقد است که سرچشمه فهم عرفانی گولن، قرآن و سنت و نوشته‌های متصوفه و به ویژه شیخ سعید نورسی است. شیخ فتح‌الله گولن تصوف را چنین تعریف می‌کند: راهی است که فرد رها شده از ضعف انسانی می‌پیماید تا در رفتار و اخلاقش ویژگیهای فرشتگان را بیابد و خدا را از خود خرسند بدارد و به مقتضای معرفت و عشق به خدا زندگی کند و نتیجه کارش احساس لذت سعادت از این معرفت و عشق است.

این تعریف در بر دارنده امور مهمی است که فرد مؤمن به خدا از آن آگاه است. زیرا رابطه با خدا با جهل سازگار نیست و باید به خدا معرفت یافت و این چیزی است که قرآن کریم بارها و در آیاتی که مردم را به بصیرت و نظر و عبرت‌آموزی فراخوانده، بدان تأکید می‌کند. طبعاً معرفت خشک و خالی هم کفایت نمی‌کند و باید عشق به خدا، عشقی کامل باشد. از این روست که عقیده اسلامی مبتنی بر عشق مطلق به خدای سبحان و بی‌شریک و بی‌فرزند است.

درباره پاره‌ای از مفاهیم اهل تصوف و عرفان مانند وحدت وجود که اعتراضات برخی متشرعان را برانگیخته است، گولن به جای توضیح این مفهوم که فهمش برای عوام دشوار است، به زدودن شبهه می‌پردازد و می‌گوید: ذرات نمی‌توانند بخشی از آفریدگار باشند، زیرا قرآن مخلوقات را نشانه‌ها و دلایل وجود آفریدگار می‌داند. تصوفی که گولن بدان دلبسته است، متفاوت از آن چیزی است که بسیاری از مردم تصور می‌کنند و تصوف را به معنای انزوا و گوشه‌گیری از زندگی و لذتها و پرداختن محض به عبادات فردی و دنبال کردن هدف نجات فردی می‌دانند. گولن بر آن است که اسلام برای چنین امری نیامده و بلکه آمده است تا دنیا را قرین آخرت نماید و خیر دنیا و آخرت را به ارمغان آورد.

بعد اخلاقی و رفتاری سهم ویژه‌ای در موفقیت جنبش گولن داشته است و یک عامل مؤثر موفقیت دیگر جنبشهای اسلامی نیز همین بعد است، چنان که در جنبش اخوان المسلمین که بزرگ‌ترین جنبش اسلامی بر روی کره زمین است نیز تربیت و تزکیه دو رکن مهم بوده است.



فعالیت علمی و تربیتی و نیز مفهوم خدمت عام که وی بر آن تأکید فراوان دارد، در همین سیاق قابل تحلیل است.

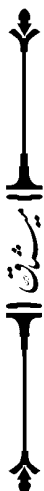
می‌توان چنین نتیجه گرفت که فهم مشترک میان جنبش‌های اسلامی برآمده از وحدت، سرچشمه فکری آنان است که در قرآن و سنت نمود یافته است و اختلاف و تنوعشان نیز به دلیل اختلاف محیط و اولویت‌هاست. بنابراین، معقول نیست که از گولن خواسته شود تا جنبش اسلام‌گرای سیاسی‌ای در جامعه‌ای به راه بیندازد که دولت زندگی خصوصی مردم را هم زیر نظر دارد و حتی شمارهٔ نفسهایشان را هم ثبت می‌کند. چندان که می‌توان گفت نظام سیاسی ترکیه تفاوت چندانی با نظام کمونیستی شوروی سابق ندارد که می‌کوشید دین را از زندگی ملتهای تحت حاکمیت بزداید.

شیخ گولن، چنان که خود تصریح می‌کند، صوفی نیست و جنبش او هم طریقتی صوفیانه نیست، اما خود وی اهل تصوف است، چنان که حسن‌البناء هم جنبش خود را حقیقتی صوفیانه و نه طریقتی صوفیانه می‌دانست. شیخ فتح‌الله گولن، تصوف را طریق وجدان انسان برای فهم حقایق اسلام می‌داند و هر کس که زندگی‌اش از عاطفهٔ اسلامی تهی باشد، حقیقت تصوف و عرفان را درک نخواهد کرد.

تربیت و تعلیم در جنبش گولن

از آن رو که گولن آموزش را ابزار تغییر و تحول می‌داند، فلسفه‌ای تربیتی را مبنای فعالیت خود قرار داده که به ریشه‌دار ساختن دین در ضمیر انسانها از راه پرورش نسلی متدین و قادر بر مشارکت زنده در عرصهٔ علمی جهانی اعتقاد دارد. گولن اساس آموزش را دین و علم می‌داند و از این رو هدفش ساختن نسلی سیراب شده از روح و ارزشهای اسلام و مجهز به علم و معرفت عصری جدید است.

محرک و انگیزهٔ گولن از طرح اهمیت علم، تضادی است که وی در نظام آموزشی ترکیه می‌بیند. وی نظام آموزشی ترکیه را مبتنی بر نظامهای آموزشی متناقض و متضاد می‌داند و می‌گوید این نظام آموزشی تصویری کامل از آینده برای دانش‌آموختگانش ترسیم نمی‌کند و موجب پراکندگی و آشفتنگی در جامعه می‌شود و نسلی متخلق به اخلاق فاضله را پرورش نمی‌دهد. زیرا مدارس لائیک نمی‌توانند خود را از تعصب و ایدئولوژی برهاند و مدارس دینی



هم قدرت مقابله با چالش علوم و تکنولوژی را ندارند. از این رو، به نظر گولن مدارس دینی نیازمند انعطاف و ژرف‌نگری به آینده و رهایی از گذشته هستند و جایگزینی تربیتی و آموزشی برای چالش‌های امروز ندارند.

گولن به درستی فرایند آموزش و پرورش یا تربیت و تعلیم را از یکدیگر جدا می‌داند. وی بر آن است که «مدرّس فراوان است و مربی اندک. و مدرّس و مربی هر دو اطلاعات و معلوماتی به دانشجو عرضه می‌کنند. اما تفاوت میان آن دو این است که مربی شخصی است که به شاگردانش کمک می‌کند تا شخصیت خویش را که در آن بذر رواداری و اندیشه و تدبیر و خویشتنداری و روح مسئولیت کاشته شده است، بارور کنند.»

از این رو، گولن نظامی آموزشی را مطلوب و کارآمد می‌داند که در آن هم آموزش علمی وجود داشته باشد و هم اخلاق و معنویات؛ تا نسلی روشن‌نگر و دل‌زنده و برخوردار از نور علم و ایمان و دین و عقل و بهره‌مند از ارزش‌های مثبت علم پرورش یابد. گولن همانند نوری که علم و دین را دو حلقهٔ مکمل می‌داند، می‌اندیشد و بر ضرورت اختصاص بخش اعظم برنامه‌های آموزشی مدارس خود به علوم طبیعی تأکید می‌ورزد.

فتح‌الله گولن برای اجرای برنامهٔ آموزشی خود که در آن تعلیم و تربیت شانه به شانهٔ یکدیگر هستند، صدها مدرسه را در ترکیه و آسیای میانه و اروپا و حتی کشورهایی که مسلمانان جمعیت قابل توجهی ندارند، تأسیس کرده است. این مدارس که در آن علوم عصری در کنار عرضهٔ غیر مستقیم آموزه‌ها و اخلاق دینی، آموزش داده می‌شود، نقش بزرگی در ترویج اندیشه‌های اسلامی گولن داشته است. وی در این راه از آشنایی خویش با بسیاری از بازرگانان مسلمان بهره گرفته و آنان را به سرمایه‌گذاری در این زمینه فراخوانده است. آسان‌یابی مقصد و مقصود سخنان گولن، مقولهٔ مهمی است. او با شفافیت و سادگی تمام منظورش را از تأسیس این مدارس ستیز با مدرنیته نمی‌داند و بر آن است که آموزش از ابزارهای مدرنیته است و مدارس وی در امور سیاسی داخلی کشورهایی که در آنها تأسیس شده‌اند، دخالتی نمی‌کنند و به کار تربیت علمی و اخلاقی و دینی دانش‌آموزان و دانشجویان مشغول هستند و موفقیت‌های بزرگی که این مدارس در سطح مسابقات جهانی داشته‌اند، سبب شده است تا فرزندان طبقات بالا و توانگر به تحصیل در این مدارس روی آورند.

فعالیت‌های فتح‌الله گولن از نقدهای شدید سکولارها درامان نبوده است. آنان او را به ارتجاع



(واپس‌گرایی) و تمایل به بازگشت به دوره عثمانی متهم می‌کنند. اما وی پاسخ می‌دهد: کلمه ارتجاع به معنای بازگشت به گذشته یا احضار گذشته در اکنون است، اما من کسی هستم که آخرت - و نه فقط فردا - را هدف خود قرار داده است. من به آینده کشورمان می‌اندیشم و با هر آنچه در اختیار دارم در راه تحقق این هدف می‌کوشم. من در هیچ یک از نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایم نکوشیده‌ام کشورمان را به گذشته بازگردانم. اما هیچ کس حق ندارد ایمان به خدا و عبادت و ارزشهای معنوی و اخلاقی را که به هیچ زمانی محدود نمی‌شوند، ارتجاع بنامد.



پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی